



An Examination of the "Jari wa Tatbiq" (Application and Adaptation) of Quranic Teachings from the Perspective of Imam Khamenei

Ali Fathi¹

² Hossein Shamabadi

Received: 2024/05/26 • Revised: 2024/07/21 • Accepted: 2024/07/21 • Published online: 2024/12/17



Abstract

The revelation of the Quran in a specific time and place does not imply a limited scope of the divine message. Rather, the messages of the Quran should be viewed beyond the circumstances of its time of revelation, considering people of all eras as its audience. The formation of a Quranic society is contingent upon the flow and institutionalization of Quranic teachings within the community. One of the responsibilities of Quranic scholars is the systematic application and adaptation of Quranic teachings. Ayatollah Khamenei, recognizing the relevance and ongoing applicability of the Quran in all eras, has taken significant steps in this direction and has called upon the intellectual elite to engage in this effort. This descriptive-analytical research seeks to elucidate the enduring application of Quranic teachings in the thought of the Supreme Leader of Iran. Drawing inspiration from his methods of utilizing the Quran in addressing social issues, the study aims to extract the approach he advocates for the dissemination of Quranic knowledge within society. The

1. Associate professor, Research Institute for Hawzah and University, Qom, Iran. afathi@rihu.ac.ir.

2. PhD student, Research Institute for Hawzah and University, Qom, Iran. hosen.shmabadi114@chmail.ir

* Fathi, A., & Shamabdi, H. (2024) An Examination of the "Jari wa Tatbiq" (Application and Adaptation) of Quranic Teachings from the Perspective of Imam Khamenei. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 5(18), pp. 133-169. [In Persian].

results indicate that in his thought, concepts such as general and absolute adaptation to instances, extraction of criteria, negation of specificity, refinement of the underlying principle, relationships between rulings and subjects, attention to the capacity of Quranic vocabulary, and conceptual expansion are utilized to ensure the application and adaptation of Quranic teachings in society.

Keywords

Applications of the Quran, Eternity, "Jari wa Tatbiq", Ayatollah Khamenei.

دراسة حول الجري والتطبيق للتعاليم القرآنية من وجهة نظر الإمام الخامنئي

علي فتحي^١ حسين شمآبادي^٢

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٥/٣٦ * تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٧/٢١ * تاريخ القبول: ٢٠٢٤/٠٧/٢١ * تاريخ الإصدار: ٢٠٢٤/١٢/١٧



الملخص

إن نزول القرآن في وقت ومكان محددين لا يعني أن الرسالة الإلهية محدودة، بل ينبغي أن ننظر إلى رسائل القرآن خارج سياق زمن نزوله، ونعتبر أهل كل زمان هم مخاطب القرآن. وتكون المجتمع القرآني مشروط بأن تجري التعاليم القرآنية بين أفراد المجتمع وتصبح مؤسسية فيها. ومن مهام المفكرين القرآنيين جري وتطبيق تعاليم القرآن الكريم بشكل منهجي. وقد خطا آية الله الخامنئي خطوات مؤثرة في هذا الاتجاه، نظراً لفعالية القرآن وجريانه في كل العصور، وطالب النخبة في المجتمع بأهمية هذا الأمر. وقد تناول البحث الحالي، بأسلوب وصفي تحليلي، شرح الجريان الخالد للتعاليم القرآنية في فكر المرشد الأعلى، واستلهاماً من أساليبه في استخدام القرآن في القضايا الاجتماعية، حاول أن يستخرج منهج جريان التعاليم القرآنية في المجتمع في منظومته الفكرية. وقد أظهرت نتائج البحث أنه تم استخدام جريان وتطبيق التعاليم القرآنية في المجتمع حسب نظره، من خلال أمور مثل: التطبيق العام والمطلق للمبادئ، واستخراج المعايير، وإزالة الخصوصيات، وتفتيح المناط، والعلاقة بين الحكم والموضوع، والاهتمام بقابليات الكلمات القرآنية، والتطوير الدلالي.

الكلمات المفتاحية

جريان القرآن، الخلود، الجري والتطبيق، آية الله الخامنئي.

afathi@rihu.ac.ir

١. أستاذ مشارك، معهد الحوزة والجامعة، قم، إيران.

hosen.shamabadi114@chmail.ir

٢. طالب دكتوراه في معهد الحوزة والجامعة، قم، إيران.

* فتحي علي؛ شمآبادي حسين. (٢٠٢٤م). دراسة حول الجري والتطبيق للتعاليم القرآنية من وجهة نظر الإمام الخامنئي. الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٥(١٨)، صص ١٣٣-١٦٩.

واکاوی جری و تطبیق آموزه‌های قرآنی از منظر امام خامنه‌ای

علی فتحی^۱ حسین شم‌آبادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶ * تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱ * تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱ * تاریخ آنلاین: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷



چکیده

نزول قرآن در زمان و مکان خاص به معنی محدوداندیشی در برابر پیام الهی نیست، بلکه باید فراتر از بسترهای عصر نزول به پیام‌های قرآن نگریست، و مردم همه اعصار را مخاطبان قرآن دانست، تشکیل جامعه قرآنی مشروط به این است که آموزه‌های قرآنی در میان جامعه جریان پیدا کند و نهادینه شود. یکی از وظایف اندیشمندان قرآنی جری و تطبیق ضابطه‌مند آموزه‌های قرآن است. حضرت آیت الله خامنه‌ای با عنایت به کارآمدی و جریان قرآن در همه اعصار در این مسیر گام‌های مؤثری برداشته، و این مهم را از جامعه‌نخبگانی مطالبه کرده‌اند. پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین جریان جاودانه آموزه‌های قرآنی در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته و با الهام‌گرفتن از روش‌های بهره‌وری ایشان از قرآن در مسائل اجتماعی، تلاش کرده روش جریان معارف قرآن در جامعه را در منظومه فکری ایشان استخراج کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در اندیشه ایشان از مواردی همچون تطبیق عام و مطلق بر مصادیق، استخراج معیار، الغای خصوصیت و تنقیح مناظ، مناسبات حکم و موضوع، توجه به ظرفیت و ازگان قرآن و توسعه مفهومی در راستای جریان و تطبیق آموزه‌های قرآنی در جامعه استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها

جریان قرآن، جاودانگی، جری و تطبیق، آیت‌الله خامنه‌ای.

afathi@rihu.ac.ir

۱. دانشیار، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

hosen.shamabadi114@chmail.ir

۲. دانشجوی دکتری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

* فتحی، علی؛ شم‌آبادی، حسین. (۱۴۰۳). واکاوی جری و تطبیق آموزه‌های قرآنی از منظر امام خامنه‌ای. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۸)، صص ۱۳۳-۱۶۹. <https://doi.org/10.22081/jqss.2024.69163.1301>

مقدمه

خداوند متعال برای هدایت انسان‌ها (بقره، ۱۸۵) کتابی سراسر نور (نساء، ۱۷۴) و مایه شفا (اسراء، ۸۲) بر رسولش (مائده، ۴۸) نازل فرمود. حضرت امیرالمومنین علیه السلام در وصف قرآن می‌فرماید: قرآن ظاهری زیبا و باطنی ژرف و بی‌پایان دارد، شگفتی‌هایش پایان‌ناپذیرد و ناشناخته‌هایش سپری‌نگردد و جز با فروغ آن، تاریکی‌ها زدوده نشود. سپس آن حضرت می‌فرماید: قرآن بهار دل‌هاست، با آموزه‌های آن، جان و دل را طراوت بخشید و شفای دردهاست، با رهنمودهای آن، از زشتی‌ها و ناروایی‌ها رهایی جوید (سیدرضی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۱۰).

همان‌طور که پیامبر اکرم رحمت برای همه عالمین است (انبیاء، ۱۰۷)، قرآن نیز جامع همه علوم (نحل، ۸۹) و جاودان تا روز قیامت است و همچون چشمه‌ای جوشان و خورشیدی تابان برای همه روزگاران نور افشانی و هدایت‌گری می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۹۸).

قرآن حکیم، گنجینه‌ای بی‌پایان و کتابی جاودان و جهان‌شمول است؛ از این‌رو مقید به زمان، مکان و شخص خاصی نیست، بلکه آیات آن گرچه بر مردم عصر نزول تطبیق شده باشد، برای مردم دیگر زمان‌ها نیز جاری است؛ لذا اندیشمندان قرآنی جریان مفاهیم قرآنی در زمان‌های دیگر را امری لازم برشمرده و اختصاص آیات قرآن به مورد شأن نزول را موجب عاطل و باطل شدن قرآن می‌داند (معرفت، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۲۶). با توجه به رسالت جاودانه قرآن و لزوم هدایت‌گری جهانی آن، تطبیق آیات بر مصداق‌های جدید در گذر زمان، امری عقلایی است.

با مراجعه به جری و تطبیق‌های انجام شده در تفسیرهای قرآن، دست‌کم با دو نوع تطبیق روبه‌رو می‌شویم:

الف) تطبیق‌های روایی، یعنی تطبیق‌هایی که در روایات معصومین آمده است. حجم بسیاری از روایات تفسیری اهل‌بیت علیهم السلام بدین شکل است که حضرات معصومین مورد نزول را مخصص آیه ندانسته‌اند و آیه را بر موارد مشابه تطبیق کرده‌اند. از این مطلب در روایات اهل‌بیت به جریان قرآن در طول زمان یاد شده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۲).

ب) تطبیق‌های غیرروایی یا اجتهادی که در روایات اهل بیت چنین جری و تطبیقی در برابر آیه مطرح نشده است، ولی مفسران قرآن براساس اجتهاد علمی و با رعایت و حفظ ضوابط و معیارهای علمی آیه را بر موارد جدید سریان می‌دهند. نویسندگان در این تحقیق درصدد است که جریان قرآن را نه فقط بر پایه روایات، بلکه با روش غیرروایی پیگیری نماید. با توجه به جایگاه علمی و روش خاص آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر قرآن، که با رویکرد اجتهادی اجتماعی و با رعایت ضوابط و معیارها به جاودانگی آیات الهی می‌پردازند و در مسائل روز از آن استفاده می‌کنند، در این تحقیق جریان مفاهیم قرآنی با تکیه بر اندیشه ایشان بررسی و تحلیل می‌گردد.

۱. پیشینه پژوهش

جاودانگی قرآن از مسائل پر بسامدی است که اندیشمندان بسیاری درباره آن سخن گفته‌اند و آثار فخری درباره آن منتشر شده است. هر یک از این آثار از نگاهی مسئله جاودانگی قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند که در خور ستایش هستند.

الف) برخی از این آثار ماهیت جری و تطبیق را مورد بررسی قرار داده‌اند، همچون مقاله «جری و تطبیق در المیزان» از آقای علی نصیری که با ذکر نمونه‌ها به اصل این قاعده پرداخته است.

ب) برخی دیگر از پژوهشگران تحقیقات خود را به مبانی جری و تطبیق اختصاص داده‌اند، برای نمونه خانم شادی نفیسی در مقاله‌ای با عنوان «مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی» مبانی این قاعده را مورد بررسی قرار داده است.

ج) برخی دیگر محققان روش‌های این قاعده را مورد مطالعه قرار داده‌اند، به عنوان نمونه آقای محمدعلی رضایی کرمانی در مقاله‌ای با عنوان «روش‌های به کارگیری قاعده جری و تطبیق در حوزه فهم قرآن» تنقیح مناط و الغای خصوصیت را به عنوان روشی برای جریان قرآن مطرح کرده است.

د) برخی دیگر ضوابط قاعده «جری» را مورد مطالعه قرار داده‌اند، و برخی این قاعده

را در روایات اهل بیت پیگیری کرده‌اند، و برخی به شکل میدانی این قاعده را در آیاتی از قرآن پیاده سازی کرده‌اند.

امتیاز پژوهش حاضر در برابر نوشتارهای دیگر عبارت است از اینکه اولاً در این مقاله بخش دوم جری و تطبیق یعنی جری و تطبیق غیر روایی و اجتهادی با رعایت ضوابط علمی پیگیری شده است، در حالی بسیاری از تحقیقات جری و تطبیق را با تکیه بر روایات دنبال کرده‌اند.

ثانیاً این تحقیق بر پایه منظومه فکری مقام معظم رهبری پایه‌ریزی شده و بر دیدگاه ایشان متمرکز است، چراکه ایشان افزون بر اینکه از علمیت بالایی برخوردار است، از جایگاه ویژه اجتماعی و مدیریتی برخوردار بوده و همچون دیده‌بانی از بالا به مسائل اجتماع اشراف داشته و مسائل نوپدید را در جامعه رصد می‌کند، و درصدد است جامعه را براساس آموزه‌های قرآنی اداره کند. این امور در میزان و کیفیت بهره‌گیری از جاودانگی قرآن در اندیشه ایشان اثرگذار است و سبب شده ایشان در برابر دیگران برداشت‌های نوآورانه، تقریر و تحلیل‌هایی متفاوتی عرضه نمایند. با وجود اهتمام فراوان مقام رهبری به بهره‌گیری از قرآن و جریان آن در مسائل روز جهانی، متأسفانه آن‌طور که بایسته است روش بهره‌گیری و جاودانگی قرآن در اندیشه ایشان مورد توجه پژوهش‌گران قرار نگرفته است.

رهبر فرزانه انقلاب که هم آگاه به مسائل روز جامعه هستند و هم دغدغه فرهنگ قرآنی دارند و درصدد هستند مسائل جامعه را مطابق با دستورات قرآنی مدیریت کنند، و تلاش می‌کنند براساس ضوابط و معیارهای علمی که در تفسیر و جاودانگی قرآن اثرگذار است، در حل مسائل جامعه ایرانی و در سطح کلان جهانی از آیات قرآن استفاده کنند؛ از این رو می‌توان گفت بهره‌گیری قرآن در اندیشه ایشان هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی از دیگر مفسران بیشتر و عمیق‌تر است. ایشان با توجه به جاودانگی قرآن ضمن بهره‌گیری فراوان از آیات الهی در مسائل نوپدید اجتماعی و سیاسی، ضوابط و معیارهای علمی در جاودانگی قرآن را نیز مد نظر دارند.

پژوهش حاضر مدعی است جری و تطبیق‌هایی که مقام معظم رهبری با بهره‌گیری

از آیات قرآن برای استنتاج و استنباط مسائل جدید از قرآن عرضه می‌کنند، براساس معیارهای علمی و مطابق با قواعد و ضوابط است؛ از این رو نویسنده درصدد است تا چگونگی جریان قرآن در عرصه‌های جدید را از منظر ایشان تبیین و تحلیل نماید. ضمن اینکه این مقاله درصدد است تا نقش کاربست جری و تطبیق برای اثبات جاودانگی قرآن در منظومه فکری ایشان را پیگیری نماید، افزون بر آن، این تحقیق می‌تواند روش جاودانگی قرآن در عرصه‌های مختلف را به‌خوبی نشان دهد.

نگارنده به پژوهش مرتبگی که درصدد اثبات جاودانگی قرآن و چگونگی آن از دیدگاه مقام معظم رهبری باشد دست نیافت، این همه ضرورت نگارش چنین تحقیقی را نمایان می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. جریان

کلمه جریان از ریشه «جری» به معنی روان شدن و حرکت کردن (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶، ص ۲۳۱۰، فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۷۶)، همیشگی و دوام است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۸۳). علامه طباطبایی در معنای اصطلاحی آن چنین می‌گوید: قرآن از جهت انطباقش بر مصادیق و بیان حال مصادیقش دامنه وسیعی دارد؛ از این رو هیچ آیه‌ای به مورد نزولش اختصاص پیدا نمی‌کند، بلکه در هر موردی که با مورد نزولش از حیث ملاک وحدت داشته باشد، جریان پیدا می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۷). به بیانی دیگر می‌توان گفت: جری، همان جریان و سریان قرآن در طول زمان است. محدود نبودن آیات قرآن به زمان نزول و جاودانگی و جهان‌شمولی قرآن را جری می‌گویند (سیفی مازندرانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۱۰).

این که جری را با تطبیق آیه بر موارد دیگر یکسان بگیریم و قائل به تساوی نسبت بین جری و تطبیق شویم و بگوییم جری، همان تطبیق آیه بر مصداق‌های خارجی اعم از افراد و وقایع با مساعدت اعتبار عقلی است، چنین تعریفی تمام نیست، چرا که تطبیق نتیجه‌ای است که از جریان و سریان آیات حاصل می‌شود.

۲-۲. تطبیق

کلمه تطبیق از ریشه «طبق» به معنی مطابقت (قرار گرفتن دو چیز برهم و هم پوشانی کامل آن دو بر همدیگر و مساوی شدن آن دو) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۱۶)، توافق و هماهنگی و پوشاندن (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۰۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۰۹) می باشد. برخی گفته اند: تطبیق یعنی قرار دادن چیزی بر چیز دیگر به گونه ای که آن را بپوشاند و مساوی یکدیگر باشند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۷۷). برخی قرآن پژوهان در تعریف اصطلاحی تطبیق گفته اند: انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه آیات درباره آن ها نازل شده است، همچنان که برخی آیات بر حضرت رسول ﷺ و اهل بیت و مخالفان آنان تطبیق شده است (شاکر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷).

برخی دیگر قرآن پژوهان چنین گفته اند: انطباق ظاهر قرآن که مفهومی عام، کلی یا مطلق است بر مصداق های جدید که در طول اعصار، نسل ها و مکان ها پدید می آیند، این همان تطبیق است و در این مورد تفاوتی ندارد که قبلا در مورد شخص یا واقعه خاصی نازل شده باشد یا چنین نباشد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۴۴۰).

در حقیقت می توان گفت تطبیق در یک فرایندی انجام می شود؛ اولین مرحله وقتی است که واقعه و صحنه ای باعث می شود آیه ای نازل شود که در اینجا روایت و شأن نزول سبب تطبیق را بیان می کند (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۷۲) و مرحله دوم وقتی است که با روش هایی، که در ادامه این نوشتار به آن می پردازیم، آیه را از مورد نزولش بیرون می آوریم و بر موارد مشابه تطبیق می کنیم. به این عملیاتی که آیه از مورد خاص خارج و بر موارد دیگر تطبیق می شود جری می گویند.

۳. جاودانگی مفاهیم قرآنی در اندیشه رهبری

از جمله مبانی ناظر به متن قرآن، فراتاریخی بودن متن آن است که در تفسیر بسیاری از آیات قرآن اثر گذار است. بر پایه ادله عقلی و شواهد قرآنی و روایی، آیات قرآن کریم، در ظرف زمانی معینی نازل شده اند، اما ظرفیت جاودانی، جهانی و رسالت

فراعصری دارند و آیات قرآن بسان خورشید و ماه، همواره در گذر زمان و گستره جهان جریان دارند.

با مروری بر تفسیر آیات قرآن در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای از جمله تفسیر سوره‌های جمعه، حشر، حمد، تغابن، مجادله، براءت و ...، کاربست جبری و تطبیق در جریان و جادوانگی قرآن با رویکرد اجتهادی اجتماعی ایشان در تفسیر کاملاً مشهود است. ایشان با توجه به اشرافی که به آیات و روایات دارند و از طرفی به‌خاطر جایگاه اجتماعی خود، با مسائل و معضلات کشور مواجه هستند، سعی دارند با تمسک به آیات قرآن، مسائل جامعه را با قرآن تطبیق داده و راه‌حلی برای برون‌رفت از مشکلات جامعه کشف کنند؛ از این‌رو توجه به روش‌های استفاده ایشان از قرآن بسیار دارای اهمیت است. اعتقاد ایشان به تازه و نبودن دستورات و پیام‌های قرآنی از یک طرف، و توجه به رعایت معیارهای علمی در اثبات جادوانگی قرآن از سوی دیگر، سبب شده است، بهره‌گیری ایشان از قرآن افزایش یافته و بتواند در نوشته‌ها و سخنرانی‌ها در عرصه‌های مختلف به قرآن تمسک کند و گاهی از آیات قرآنی در مسائل نوپدید به‌شکلی استفاده کرده‌اند که در برخی موارد سابقه نداشته است، و یا تحلیل جدیدتری عرضه کرده‌اند، و گاهی در جریان‌ها و موقعیت‌های مختلف به یک آیه از زاویه‌های مختلف نگاه کرده، و برداشت‌های اجتماعی مختلفی از آن عرضه کرده‌اند. به نظر نگارنده می‌توان منظومه‌ای از روش‌های جادوانگی قرآن در اندیشه رهبری را تعریف کرد که به‌صورت منسجم، براساس رعایت ضوابط و قواعد، آیات قرآنی به‌صورت فراعصری تبیین شده و در موقعیت‌های مختلف از ظرفیت قرآنی استفاده شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۴۲۳). ایشان قرآن را پاسخ‌گوی نیازهای بشری در همه زمان‌ها می‌داند و می‌فرماید: «قرآن، همیشه زنده است. قرآن، نیازهای انسان را مورد توجه قرار می‌دهد. قرآن در هر عصری می‌تواند بهترین نسخه سعادت انسان‌ها باشد.» (بیانات در مراسم اختتامیه پانزدهمین دوره مسابقات قرآن، ۱۳۷۷/۰۹/۱) در ادامه روش‌های جادوانگی قرآن در منظومه فکری رهبری استخراج و تبیین می‌شود.

۳-۱. بهره‌گیری از عموماًت و اطلاعات قرآنی

یکی از راهکارهای جریان قرآن در همه زمان‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت قرآن در تمام اعصار، توجه به عموماًت و اطلاعات قرآنی است.

۱. عموماًت قرآنی: الفاظی از قرآن که بدون حصر بر افراد دلالت کنند و عمومیت آن از واژه‌ها استفاده شود، در اصطلاح به آن عام گفته می‌شود (آخوند خراسانی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۱۶، مظفر، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۹)، در این صورت آن لفظ قابلیت دارد که بر مصادیق متعددی حمل شود (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۱). در برخی روایات برای عام‌های قرآنی مصداقی بیان شده است، ولی بیان آن مصادیق، آیه را به موارد ذکر شده منحصر نمی‌کند؛ برای نمونه آن‌گاه که خداوند متعال جریان حضرت موسی را ذکر می‌کند و وعده می‌دهد که موسی بر فرعون پیروز می‌شود «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵) واژه «الذین استضعفوا» لفظ عامی است که در زمان‌های مختلف بر مصادیق متعددی دلالت می‌کند. برخی روایات این آیه را بر زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حمل کرده‌اند، ولی این روایات مقید آیه نیستند؛ از این رو در روایات دیگری از اهل بیت علیهم السلام، این آیه بر زمان غیبت حضرت حجت تطبیق شده است؛ بنابراین الگویی که از آیه برداشت می‌شود این است که جریان‌های مربوط به حضرت موسی در قرآن مطرح شده است، ولی موردی که آیه درباره آن نازل شده است، آیه را در آن مورد خاص منحصر نمی‌کند و این آیه تا قیامت جریان دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۵).

مقام معظم رهبری به خوبی از انطباق الفاظ عام قرآنی بر مصادیق جدید در عصر ما استفاده می‌کنند و آیات قرآن را بر اساس ضوابط و قواعد، متناسب با شرایط جامعه معنا می‌کنند؛ برای نمونه در مورد مستکبران چنین می‌فرماید: «برای این که مستکبران این حرف‌ها رو جا بیندازد، میلیاردها دلار خرج می‌کند. همین رادیو بی‌بی‌سی و همین رادیوها و تلویزیون‌های آمریکایی و رادیوهای صهیونیستی، چقدر هزینه می‌کنند برای این که شاید این حرف‌ها را به گوش مردم برسانند تا شاید یک نفر باور کند. اینها مصداق کامل آیه «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا، الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

۱۴۳

مُطَالَعَةُ الْقُرْآنِ

واکوی تجوی و تطبیق آموزه‌های قرآنی از منظر امام خمینی‌ای

وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا». (کهف، ۱۰۳-۱۰۴) هستند، تلاش می‌کنند، زحمت می‌کشند، می‌نشینند، طراحی می‌کنند، وسایل فنی مدرن می‌سازند، رادیوها و تلویزیون‌هایشان چه می‌کنند، برای این که شاید این حرف‌ها را به گوش مردم برسانند، تا به دل‌های آن‌ها اثر کند. مردم هم، خیلی‌ها که اصلاً اعتنا و اعتماد نمی‌کنند، گوش نمی‌کنند. بعضی‌ها هم می‌شنوند، اکثرشان را باور نمی‌کنند. اگر هم کسی اشتباه کرده باشد، با توضیحی که برای او داده می‌شود، در او اثر می‌کند، این هم لطف الهی است» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۲/۱۰/۱۳۷۶). گرچه مخاطبان این آیه مخالفان زمان حضرت رسول بوده‌اند، ولی برای اینکه آیه به شکل عام ذکر شده «الَّذِينَ صَلَّ سَعِيَهُمْ» مقام معظم رهبری آیه را در مورد دشمنان نظام اسلامی مطرح فرموده‌اند.

آنجا که قرآن هشدار می‌دهد و عاقبت مکذبین را بیان می‌کند: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم، ۱۰) رهبری از عمومیت واژه «الذین» استفاده می‌کند، و این آیه را در عصر ما برای مسئولان تلاوت کرده، به آنها هشدار می‌دهد که مبادا به فساد هرچند کم مبتلا شوند که خود زمینه فسادهای بزرگ‌تر را فراهم می‌کند. گاهی لغزش‌های کوچک، انسان را به لغزش‌های بزرگ و بزرگ‌تر و گاهی به پرتاب شدن در اعماق دره‌هایی منتهی می‌کند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۸/۶/۲۰).

ممکن است در ذیل این آیات روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده و مصادیقی در عصر نزول قرآن را به‌عنوان سبب و شأن‌نزول بیان کرده باشد، اما این روایات عمومیت آیه را از منحصر نمی‌کند، و نباید از عمومیت واژگان و معانی قرآنی دست برداشت. در این نوع موارد مصادیقی که برای آیه در روایات مشخص است، مصادیق منحصر برای آیه نیست، و می‌توان از آن دست برداشت و مواردی دیگری را نیز به‌عنوان مصادیق آیه در نظر گرفت؛ از این رو به عموم آن واژه قرآنی تمسک می‌شود و هر شخص و جریانی که شرایط قابلیت انطباق با آن آیه را داشته باشد شامل می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۶۵۳، ص ۳۷۵).

۲. اطلاعات قرآنی: واژگانی که به نحو مطلق آمده باشند با مقدمات حکمت^۱ بر همه افراد دلالت می‌کنند (مظفر، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۷۱). منحصر کردن آیاتی که مطلق بیان شده و قیدی برای آن نیامده، خلاف مسلک قرآنی است. عده‌ای از مفسران برای برخی آیات مصادیق ویژه‌ای را مشخص کرده‌اند، به‌عنوان نمونه فیض کاشانی ذیل آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الدُّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل، ۴۳) می‌گوید مخاطب آیه مؤمنان هستند و نمی‌تواند خطاب آیه با مشرکان باشد، چون معنا ندارد به مشرکان دستور داده شود که از اهل بیت پرسید، درحالی که آنها منکر مقام اهل بیت علیهم‌السلام بودند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۲۷). این برداشت و منحصر کردن معنای قرآن در مورد خاص، درست به نظر نمی‌رسد. خطاب قرآن که دستور به پرسش از اهل ذکر را مطرح کرده تا از غفلت خارج شوند، اختصاصی به مؤمنان ندارد و همه را شامل می‌شود، هرچند فقط مؤمنان به آیه عمل می‌کنند.

۱۴۵

مُطَالَعَةُ الْقُرْآنِ

واکاوی تجوی و تطبیق آموزه‌های قرآنی از منظر امام خمینی‌ای

رهبری ذیل آیه ۲۴ سوره ابراهیم (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) با توجه به اطلاق «کلمه طيبة» مواردی از جمله حوزه علمیه، رویش‌های جدید در انقلاب، بسیج و ... را از موارد شجره طيبة نام برده است (بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). مصادیق و موضوعات جدیدی که شباهت موضوعی دارند با عنوانی که در قرآن مطرح شده است، حکم در مورد آن نیز جاری می‌شود.

در برخی بیانات رهبری بهره‌گیری از این قاعده به‌چشم می‌خورد. به‌عنوان نمونه آن‌گاه که در مورد تکلیف سخن می‌گویند: «امروز تکلیف بزرگی برگردن ماست. امروز، موظفیم این تکلیف بزرگ، الهی یعنی امیددادن به مردم عالم را انجام دهیم. (لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ)» (بقره، ۱۴۳) مردم، آن نمونه‌های شاهدهی هستید که ملت‌های دیگر و مردم دنیا، به شما نگاه می‌کنند. تکلیف بزرگی را که امروز به گردن ماست،

۱. مقدمات حکمت عبارتند از: ۱. متکلم در مقام بیان تمام مراد خود باشد و قصد اهمال، اجمال‌گویی و هزل نداشته و غافل نباشد؛ ۲. قرینه‌ای متصله یا منفصله دلالت‌کننده بر تقیید در کلام نباشد؛ ۳. اطلاق و تقیید ممکن باشد؛ ۴. قدر متیقن در مقام مخاطب وجود نداشته باشد (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۴۷).

باید درست بشناسیم. کار عمده ما این است که این نقطه امید را در دل‌های ملت‌های مسلمان حفظ کنیم. همچنان که در طول این ده، یازده سال، ملت ایران توانسته است همیشه در جایگاهی قرار داشته باشد که چشم و دل ملت‌ها به او روشن و امیدوار باشد، از حالا به بعد هم باید روش و کیفیت عمل و حرف‌ها و اظهارات ما به نحوی باشد که این امید در دل‌های مستضعفان و بیم در دل‌های دشمنان باقی بماند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۷/۲۸) مقام معظم رهبری با تمسک به اطلاق این آیه، مصداق آیه در زمان حاضر را مردم زمان انقلاب می‌داند که باید به‌درستی عمل کنند، ایشان کلمه «الناس» را مطلق گرفته‌اند و مراد از آن دیگر مسلمان‌ها در دیگر بلاد اسلامی هستند که به این انقلاب چشم امید دارند.

۲-۳. استخراج معیارها

یکی از راهکارهایی که برای جاودانگی قرآن می‌توان از اندیشه مقام معظم رهبری اصطیاد کرد، استخراج معیارها در آیات قرآن است. قرآن کریم گاه در مسئله‌ای حکمی را صادر می‌کند و رهبری مناط و علت آن حکم را شناسایی کرده، پس از الغای خصوصیت از مورد نزول، آیه را در موردی که با آیه تناسب دارد و قابل جریان است، تفسیر می‌کند. تنقیح مناط به‌عنوان یکی از روش‌های استنباط است که مفسر با تلاش علمی، علت حکم که در نص آمده را تمییز می‌دهد، تا بتواند حکم را به تمام مواردی که علت در آن‌ها وجود دارد، تعمیم دهد، و دیگر موضوعاتی که مناط این حکم را دارند داخل در این مناط خواهند شد.

در اینکه میان تنقیح مناط و الغای خصوصیت چه نسبتی وجود دارد، چند قول مطرح شده است:

- الف) الغای خصوصیت روشی برای تنقیح مناط است (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷۱).
- ب) مناط، حسن و قبح عقلی یا مصحلت و مفسده واقعیه موجود در موضوع است (غروی اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۳۱). بر همین اساس بین الغای خصوصیت و تنقیح مناط تفاوت است. اولی عرفی و مجاز است و دومی عقلی و غیرمجاز است، زیرا درک

مصالح و مفاسد واقعیه در بین ابزارهای شناختی بشر کار عقل است و عقل نیز به دلیل عدم احاطه بر آنها، از درک حقیقی آنها عاجز است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۵؛ امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۷۳).

ج) تنقیح مناط و القای خصوصیت یک چیز هستند. به نظر می‌رسد به شکل منطقی در یک فرایندی، ابتدا اشخاصی که در زمان نزول مورد خطاب قرار گرفته‌اند الغای خصوصیت می‌شوند. در مرحله بعد مناط و علت به دست می‌آید. وقتی علت و مناط به دست آمد، هر آنکه این مناط و علت درباره او قابل جریان باشد، می‌تواند مصداقی برای آیه باشد.

برخی آیات قرآن به شکلی است که در آنها، حکمی برای پیامبر یا قومی مطرح شده است؛ اما آن مورد خصوصیتی ندارد و می‌توان آن مورد را نادیده گرفت و حکم مطرح شده در آیه را براساس ضوابطی در موارد دیگر جریان داد. برای اینکه بتوان ملاکی را کشف کرد و آن را در موارد دیگر جریان داد، باید مناط و علت آن حکم منقح و روشن شود که در اصطلاح به آن تنقیح مناط گفته می‌شود. مقصود از تنقیح، پیراستن و روشن کردن و مقصود از مناط نیز همان علت است. در اصطلاح فقیهان، مقصود از تنقیح مناط، الحاق فرع به اصل به واسطه الغای فارق و کشف عدم دخالت این فارق در حکم است. (صابری، ۱۳۸۱، ص ۲۱). در تنقیح مناط غیرمنصوص، باید ابتدا مناط آن حکم شناسایی شود، سپس جریان آن در موارد دیگر ارزیابی شود. به طور مثال آیه ۴۰ سوره بقره (یا بنی اسرائیل اذکروا نِعْمَتِي الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ اَوْفُوا بِعَهْدِي اَوْفِ بِعَهْدِكُمْ وَ اِيَّايَ فَاَرْهَبُونَ) با اینکه درباره بنی اسرائیل است، امام صادق علیه السلام براساس مناطی که از آیه استخراج می‌شود، آیه را در عموم اهل ایمان مورد استناد قرار داده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۸۹). خطاب آیه به بنی اسرائیل است، ولی یادسپاری از نعمت‌های الهی و وفای به عهد اختصاصی به بنی اسرائیل ندارد.

برخی اندیشمندان قرآنی در اینکه چگونه آیات قرآن بر مصادیق جدید حمل می‌شود، معتقدند وقتی شخصی در قرآن مورد مدح یا ذم قرار می‌گیرد، به طور یقین مدح مؤمن و ذم غیر مؤمن علتی دارد که یا به صورت صریح در قرآن مطرح شده است

یا می‌توان آن علت را کشف کرد، مثلاً وقتی مؤمنی را مدح می‌کند علت آن را تقواداشتن یا دارابودن فضیلتی بیان می‌کند. روشن است که تا آخرالزمان هر کسی این صفت را داشته باشد، مدح شامل حال او می‌شود و هر که دارای این رذیلت باشد، آیه شامل حال آن نیز می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۲). در این نمونه‌ای که علامه مطرح می‌کند مناط مدح و ذم، اتصاف به فضیلت یا رذیلت است، این مناط و علت جریان پیدا می‌کند و در مورد هر کسی که این صفت را داشته باشد سریان می‌دهیم و مدح و ذم شامل حال او می‌شود.

در برخی آیات همچون «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَجْبَةً وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب، ۲۳) براساس آنچه در تفسیر البرهان آمده است، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آیه را در شأن خودشان، حمزه، جعفر و عبیده بن حارث می‌داند (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۴۲۹)، اما در روایات دیگر با تنقیح مناط بر امام حسین علیه السلام و یارانش که این معیار و ملاک را داشته‌اند نیز منطبق شده است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۳۵۵)، در این روایت‌ها ملاک و معیار جریان و جادوانگی قرآن بیان شده است، و مصداق منحصره‌ای برای آیه مطرح نمی‌شود، از این رو معلوم می‌شود این روایات در صدد مصادیق انحصاری برای آیه نیستند، بلکه هر آنکه این شرایط و ویژگی‌ها را داشته باشد، می‌تواند مصداق این آیه قرار بگیرد.

برخی مفسران ذیل آیه «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ» (جمعه، ۹) معتقد هستند فقط نماز جمعه، که در آیه مطرح شده، خصوصیت ندارد، بلکه همه نمازهای واجب از چنین اهمیتی برخوردار است و انسان مسلمان باید در وقت نماز از امور مربوط به دنیا دست کشیده و به سمت نماز حرکت کند (جوادی آملی، درس خارج، ۱۳۹۳/۱/۱۶).

مقام معظم رهبری نیز بارها از این قاعده جهت جریان قرآن استفاده کرده‌اند، در آیه «قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (شعرا، ۶۲) که درباره جریان حضرت موسی نازل شده است، اطرفیان حضرت موسی گمان کردند کارشان تمام است و به دست فرعونیان گرفتار خواهند شد و دیگر راه فراری ندارند، اما خداوند متعال امداد غیبی خود را به

آنها نشان می‌دهد و رود نیل شکافته شد و موسی و اطرافیان او از آب عبور کردند، اما فرعونیان غرق گرفتار شدند، مقام معظم رهبری با تمسک به این آیه، خود را در جایگاه حضرت موسی و جامعه اسلامی را در جایگاه امت موسی می‌داند، از این رو با اینکه برخی روشنفکران در برهه‌ای از زمان‌ها گمان می‌کردند که کار نظام تمام شده است، اما دریچه‌های جدیدی به روی انقلاب گشوده می‌شود، و روزبه‌روز آوازه انقلاب اسلامی در سرتاسر جهان می‌پیچد (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).

کفران نعمت الهی، اسباب محرومیت از نعمت الهی را فراهم می‌کند، براساس آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ * جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَ يَئِسُوا الْقُرْآنَ» (ابراهیم، ۲۸-۲۹) خداوند متعال، قریش را از نعمت‌های فراوانی برخوردار کرده بود، اما ناسپاسی کردند و خداوند هم عنایت خود را از آنها قطع کرد، با وجود اینکه آیه شأن‌نزول خاصی دارد، ولی رهبری محتوای آیه را در مورد هر ملت مسلمانی جاری می‌داند، اگر نسبت بهداشته‌ها و نعمت‌های الهی کوتاهی کنند خداوند متعال نعمت را از آنها می‌گیرد، این آیه زمامداران خائن را هم که با آمریکا سازش می‌کنند را شامل می‌شود، از جمله در افغانستان، که ابتدا مسلمان‌ها، دولت شوروی را با آن عظمت و ارتش چند میلیونی مجبور به بیرون رفتن کرد. البته بعداً برخی از آنها این نعمت الهی را ناشکری کردند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۴/۱۱/۲۰). در این آیه، حق‌مداری معیاری است برای اینکه هدایت الهی شامل انسان شود.

برخی آیات قرآن نیز گرچه مربوط به جنگ‌های زمان حضرت رسول است، همچون آیه «إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ» (نساء، ۱۰۴) اما رهبری براساس قاعده الغای خصوصیت و تنقیح مناط از این آیه پیروزی ملت فلسطین را یکی از نویدهای قرآن می‌داند، و یکی از فرق‌های امت اسلام را با صهیونیست این می‌داند که شاید هر دو طرف گاهی دچار آسیب‌هایی شوند؛ اما درنهایت آن گروهی که چشم‌امیدش به خداست ملت مسلمان فلسطین است، که با داشتن پشتوانه‌ای مثل امدادهای الهی از این مسیر خسته نمی‌شود و به پیروزی خواهد

رسید (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۶/۰۱/۱۳۸۱). حکمی که در این آیه خداوند متعال از مسلمانان می‌خواهد عدم سستی و کوتاه‌نیامدن در برابر دشمنان اسلام است که در ابتدای این آیه آمده است «وَلَا تَهْتُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ» که در نهایت این عد سستی به پیروزی منجر می‌شود.

در سوره ممتحنه خداوند متعال از ابراهیم به‌عنوان اسوه یاد می‌کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (ممتحنه، ۴) مقام معظم رهبری می‌فرماید: در مورد امام بزرگوار که شاگرد این مکتب و دنباله‌رو راه این انبیای عظام است، همین معنا صدق می‌کند. خود امام برجسته‌ترین شاخص‌هاست. رفتار امام، گفتار امام (خامنه‌ای، سال ۱۳۸۹، ص ۵۴).

قرآن کریم در سوره کهف آیه ۱۳ جریان مردانی را نقل می‌کند که در برابر ستمگران زمان خود قیام کردند و از آنها به جوانمردان یاد می‌کند: «إِنَّهُمْ فَتِيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى»، رهبری براساس اینکه فدائیان اسلام همچون نواب صفوی قبل از انقلاب در برابر طاغوت مردانه قیام کردند آنها را نیز به‌عنوان مصداقی برای این آیه معرفی می‌کند، چون واقعاً جوانانی بودند که به خدا ایمان آوردند و از روی اخلاص، در راه حاکمیت معارف و احکام نورانی اسلام تلاش کردند و در مقابل ظلم و فساد ایستادند و همان مشخصه‌های اصحاب کهف را دارند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۰/۲۸/۱۳۷۵).

در سوره صافات آیه ۸۸ و ۸۹ (فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ) جریان حضرت ابراهیم نقل شده است، در این جریان، همه مردم برای تفریح به بیرون از شهر می‌رفتند، وقتی از ابراهیم خواستند که آنها را همراهی کند و به بیرون شهر برود از این امر امتناع کرد و فرمود من مریض هستم و نمی‌توانم شما را همراهی کنم، در اینکه آیا واقعا حضرت ابراهیم مریض بوده یا توریه کرده تا در شهر بماند و بت‌ها را بشکند، میان مفسران اختلاف است، برخی مفسران ذیل این آیه گفته‌اند: حضرت ابراهیم به‌خاطر مصلحت توریه کرده، و گرنه ایشان مریض نبود (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۵، ص ۱۷۲)، ولی علامه طباطبایی می‌فرماید: پیامبر چون یک شخصیت اجتماعی و الهی است نمی‌تواند

توریه کند، با پذیرش دیدگاه علامه عدم توریه را تنقیح مناط می‌کنیم. حضرت ابراهیم در عدم توریه خصوصیت ندارد، بلکه هر کسی که وجه اجتماعی دارد نمی‌تواند توریه کند، چون اعتبارش زیر سوال می‌رود و دیگر کسی حرفش را قبول نمی‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۱۴۸). با پذیرش مبنای علامه این مسئله درباره مسئولان نظام اسلامی نیز مطرح می‌شوند، یعنی نمی‌توانند به خاطر مصالح توریه کنند و دروغ مصلحتی بگویند، چون پس از آشکار شدن حقیقت، دیگر اعتباری برایشان باقی نمی‌ماند و جایگاه اجتماعی خود را از دست می‌دهند، این همان الغای خصوصیت از حضرت ابراهیم و سریان عدم جواز تقیه برای مسئولان است.

برخی قرآن پژوهان ذیل آیه «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (شعرا، ۱۳۳) دستوری که در قرآن به رسول خدا شده را توسعه می‌دهد و از نظر ایشان بر ما هم واجب است بر حضرت رسول تاسی کرده و خانواده را به نماز امر کنیم (فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۳)، چون اگر قرار است این معروف یعنی نماز فراگیر شود، پس باید همه جامعه با آن درگیر شوند و همدیگر را به اقامه نماز دعوت کنند.

مقام معظم رهبری ذیل آیه «وَوَطَّعُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ» (توبه، ۱۲) ملاک مقاتله را طعنی می‌دانند که مانع پیش برد اهداف انقلاب شود و سبب تغییر زمینه فکری جامعه شود، این آیه گرچه مربوط به مخالفان زمان حضرت رسول است که دست به تسمخر و طعنه دین اسلامی می‌زدند، ولی رهبری با به دست آوردن معیار، آیه را بر مصادیق جدید در عصر حاضر تطبیق می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۶۰).

۳-۳. مناسبات حکم و موضوع

مناسبت در لغت به معنی همانندی، همراهی و سازگاری است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۷۵۶) و در اصطلاح مراد از مناسبات میان حکم و موضوع این است که وقتی حکمی از شارع به ما می‌رسد مناسبات و ملاک‌های بین موضوع و حکم را می‌سنجیم، به گونه‌ای که این مناسبت‌ها و ملاک‌ها موجب تخصیص یا تعمیم حکم برای آن موضوع می‌شود (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۵۷). با توجه به تأثیر زمان و مکان در استنباط

احکام شرعی ممکن است که ظهورات جدیدی برای نصوص به دست بیاوریم و به برداشت‌های جدیدی دست پیدا کنیم، این امور سبب می‌شود حکم سریان پیدا کرده و بر موارد دیگر نیز جاری شود.

ملاک در هر یک از الغای خصوصیت و تنقیح مناط، تناسب میان حکم و موضوع است، یعنی برای اینکه بین موضوع و حکمی که صادر شده تناسبی هست، اگر مورد دیگری مثل همین موضوع باشد، همین حکم بر آن بار می‌شود. امام خمینی & با استناد به «تناسب حکم و موضوع» می‌فرماید: هرگاه توجه داشته باشیم که هیچ‌گاه نماز از عهده مکلف ساقط نمی‌شود و نماز بدون طهارت نیز باطل است، اشکالی نخواهد بود که بگوییم آیه شریفه دلالت می‌کند، بر این که تیمم برای هر نوع عذری که برای مکلف پدید آید، تشریح شده است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

مقام معظم رهبری، دشمن انقلاب را افرادی نمی‌داند که به ظاهر فریب دشمن را خورده‌اند، بلکه براساس آیه ۱۱۸ سوره آل عمران (قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ) دشمن انقلاب آن افرادی هستند که در برابر این انقلاب ایستادند و سنگ‌اندازی کردند و از هیچ تلاشی در جلوگیری از صدور این انقلاب کوتاهی نکردند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۹/۲۶).

رهبری براساس آیه ۱۴۷ سوره آل عمران (وَ مَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ بَيِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) برخی گناهان را دارای اثر معنوی معرفی می‌کند که گناه انسان می‌خواهد حرکت یا تلاشی بکند آن گناهان مانع راه او می‌شوند، لذا لازم است برای از بین رفتن اثرات آن گناهان از خداوند متعال طلب توبه و بخشش کنیم (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۵/۱۰/۲۸).

رهبری براساس آیه ۱۴۱ سوره نساء (وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) هر نوع سلطه و اشراف کفار بر مسلمانان اعم از کشور ایران و دیگر کشورهای اسلامی را صحیح نمی‌داند، لذا تلاش مجاهدان الهی این است که دست مستکبران را از ممالک اسلامی کوتاه کنند (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸) روایات اهل بیت نیز این امر را تأیید می‌کنند: «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۳۴).

در این چند آیه مقام معظم رهبری حکمی که در آیه برای یک موضوع صادر شده است، به عنوان یک حکم کلی در نظر گرفته است که قابلیت تطبیق بر مصادیق مختلف را دارد؛ از این رو آن حکم را بر موضوعاتی که با آن سازگاری دارد حمل می‌کند. حکمی که در این آیات مطرح شده است مربوط به مخاطبان عصر نزول است، ولی بر اساس قاعده مناسبت حکم و موضوع، رهبری آن حکم را بر موضوعات جدید سریان داده است.

۳-۴. استفاده از ظرفیت واژگان قرآنی

ارتباط لفظ و معنا و توجه به ظرفیت واژگان یکی دیگر از مسائلی که در دانش‌های مختلف مطرح می‌شود (مظفر، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۰۷) و در فهم و استنباط قرآن اثرگذار است، قرآن کریم خود را بیانگر همه چیز معرفی کرده است «و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۸۹) و در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر شمول قرآن بر همه نیازهای بشر در همه عصرها تأکید شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۷۰). جاودانگی قرآن اقتضا می‌کند که قرآن به عنوان آخرین کتاب الهی پاسخ‌گوی نیازهای عصری بوده و به مسائل گوناگون به طرق مختلف پرداخته باشد. قرآن به عنوان آخرین پیام الهی است که تا روز قیامت در هر عصری پاسخ‌گوی نیازهای جدید جامعه بشری است. یکی از راهکارهایی که رهبری به واسطه آن جریان جاودانه قرآن را حل و فصل می‌کند، توجه به ظرفیت زبانی ویژه قرآن به شکلی است که معانی جدید در آن راه دارد.

توجه به ظرافت‌ها و لطایف نهفته در واژگان و جملات قرآن و نادیده نگرفتن الفاظ قرآن و اهمیت دادن به عبارتهای قرآنی و توجه همه‌جانبه به الفاظ قرآن و کشف لایه‌های پنهانی قرآن، می‌تواند به عنوان راهکاری در مسیر اثبات جاودانگی آیات قرآن مطرح شود. مفسر در مراجعه به قرآن باید دقت کند که الفاظ محدود قرآن، فکر و ذهن مفسر را محدود نکند، و قرآن را در همان حد الفاظ محدود معنا نکند، بلکه متوجه باشد که این الفاظ بار معنایی ویژه‌ای دارد و از آن حقیقت جاویدان قرآن حکایت‌گری می‌کند.

بهره‌گیری از ظرفیت واژگان قرآنی به‌عنوان راهکاری برای جریان قرآن در اندیشه مقام معظم رهبری مطرح است، در چند معنایی گوینده یک لفظ یا عبارت را که دارای چند معناست یک مرتبه استعمال می‌کند و به‌طور همزمان، بیش از یک معنا که در عرض هم هستند را از آن اراده می‌کند، این مسئله مورد پذیرش اکثر محققان واقع شده است (خوئی ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱۰؛ فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۱، ج ۲، صص ۲۸۹-۲۴۸؛ جوادی آملی ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۱۳۱-۱۲۸). همچنان که نظریه پردازان قرآنی نیز آن را تأیید کرده‌اند (طیب حسینی، ۱۳۸۸، صص ۵۲-۷۰).

جواز چندمعنایی برای واژگان قرآنی و توجه به دلالت‌های الفاظ قرآن در آثار ایشان نمود فراوانی دارد. ایشان ذیل آیه «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا» (توبه، ۵۹) پس از آن که تفسیر عمومی آیه را مطرح می‌کنند، معنای دومی نیز به آن می‌افزایند و آیه را ناظر به سنت‌های الهی می‌دانند که به مؤمنین بشارت می‌دهد که پیروزی قطعی با گروه مومنین است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۳۶). ایشان برخلاف مشهور اصولیان در موارد متعددی استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد در قرآن را می‌پذیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۵۸۶، ص ۲۵۹، ص ۵۵۷، ص ۶۹۹).

همچنین ایشان ذیل آیه‌ای که مربوط به عمارت و ساختن مسجد است «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ» (توبه، ۱۷) چهار وجه مطرح می‌کند، و در نهایت معتقد است که لزوماً نباید فقط یکی از معانی را انتخاب کنیم، بلکه می‌توانیم همه این معانی را به این آیه استناد دهیم (خامنه‌ای ۱۳۹۸، ص ۱۵۴).

۳-۵. توسعه مفهومی

مراد از توسعه‌پذیری الفاظ قرآن دلالت لفظی از قرآن بر چند معنا در عرض همدیگر نیست، بلکه مراد شمول و توسعه طولی لفظ در راستای همان معنای اولیه خویش است (مهدوی‌راد، هادیان، ۱۳۹۹، ص ۲۰۷)؛ در این صورت افزون بر معنای پیشین معنای جدیدی بر دلالت آن افزوده می‌شود. وجوه مختلفی در توسعه معنا متصور است؛ گاه توسعه معنایی حوزه مفهومی را گسترش می‌دهد و گاه سبب توسعه معنای کاربردی

و مصداقی می‌شود و قلمرو آن را گسترش می‌دهد (سعیدی روشن، ۱۴۰۲، ص ۴۵۴)؛ بنابراین در چندمعنایی یک واژه دارای چند معنا در عرض هستند، و در توسعه معنایی یک واژه معانی متعددی در طول هم دارند (مشکینی، ۱۳۷۴، ص ۲۶). مسئله حاضر مربوط به قاعده توسعه مفهومی است که برای یک واژه معنای جامعی در نظر گرفته می‌شود که به شکل طولی معانی متعدد را شامل می‌شود و آن معانی زیرمجموعه آن هستند، به‌عنوان نمونه واژه قتل در اصل معنای خود فقط مربوط به کشتن و از بین بردن نیست، بلکه شامل از بین بردن امور معنوی و اندیشه نیز می‌شود (مهدوی‌راد، هادیان، ۱۳۹۹، ص ۲۱۱). حتی در کتب لغت نیز در بررسی واژگان قرآنی از کلید واژه «واتسع فیه» می‌توانیم مواردی را پیدا کنیم که توسعه معنایی بیان شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۹۳).

برخی لغات بر معانی متعددی دلالت می‌کنند، همچون کلمه شیطان در آیه «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۷۵) که شیطان جن و انس همچون منافقین را شامل می‌شود و هیچ‌گونه مجازی نیست (زمخشری، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۴۴۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱-۲، ص ۸۹۰).

برخی اندیشمندان معاصر در معنای آیه شریفه «إِذَا تُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ» (جمعه، ۹) برای کلمه بیع معنایی وسیع در نظر گرفته‌اند: این نیست که هنگام نماز جمعه اگر فرد در مغازه بنشیند و بخواهد چیزی را «اجاره» بدهد یا عقد «مضاربه» یا «مزارعه» ببندد، اشکال نداشته باشد، بلکه منظور این است که باید هرگونه معامله‌ای را رها کند. در واقع مطابق «وَذَرُوا الْبَيْعَ» مطلق دادوستد نفی شده است، همچنین اگر در آیات دیگری (بقره، ۲۵۴، نساء، ۲۹) سخن از بیع به میان آمده، بیع نماد همه عقود است و خداوند با این کلمه در حقیقت هرگونه دادوستدی را قصد کرده است (جوادی آملی، درس خارج، ۱۳۹۳/۱/۱۶).

مقام معظم رهبری در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ بئسَ الْمَصِيرُ» (برائت، ۷۳) بحثی را درباره معنای جهاد مطرح کرده و تذکر داده‌اند اصطلاح جهاد در فقه با جهاد در قرآن متفاوت است و نباید این دو اصطلاح با هم خلط شود. از منظر ایشان واژه جهاد دارای معنای بسیار گسترده‌ای است

و فقط به جهاد نظامی اختصاص ندارد. جهاد در قرآن هرگونه مقاومت در برابر دشمن برای اعتلای اسلام است که می‌تواند در قالب‌های مختلف اعم از جنگ مسلحانه یا مجاهدت فکری و زبانی انجام شود، یا طریق صبر بر اذیت‌های دشمن یا ممکن است مراد از جهاد صبر بر فقدان دوستان و مال و همسر و فرزند باشد، و حتی از منظر ایشان جهاد شامل شعر گفتن برای تقویت روحیه مبارزان نیز می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۸۱).

عبدالله بن سنان از امام باقر علیه السلام از معنای آیه «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُؤْتُوا نُذُورَهُمْ...» (حج، ۲۹) پرسید. امام فرمودند: مراد گرفتن شارب و چیدن ناخن‌ها و مانند اینها. عبدالله بن سنان با تعجب عرض می‌کند یا بن رسول الله فدایت شوم! پس چگونه است که ذریع محاربی از شما برای من روایت کرد که فرموده‌اید: «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» مراد دیدار امام است، امام باقر علیه السلام فرمود: ذریع راست گفته است و تو نیز راست گفتی. قرآن ظاهری دارد و باطنی، و چه کسی تحمل می‌کند آنچه را که ذریع (از ظاهر و باطن قرآن) تحمل می‌کند؟» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۴۹) این نمونه از توسعه معنایی در بیان امام باقر علیه السلام است. این دو معنا به ظاهر در عرض هم هستند، ولی وجه جامعی برای هر دو در نظر گرفته می‌شود و آن معنای جامع زدودن اضافات و چرک است، از طرفی با گرفتن ناخن آن چرک‌های ظاهری زدوده می‌شود و با ملاقات امام انسان از گناهان آسوده می‌شود.

برخی پژوهشگران ذیل آیه «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (بقره، ۳) برای انفاق معنای جامعی در نظر گرفته‌اند که هر آنچه رزق الهی باشد، انفاق نیز خواهد داشت، مصادیق بسیاری ذیل این آیه می‌توان مطرح کرد از جمله کسی که علوم اهل بیت به او ارزانی شده، شایسته است آنچه به او عطا شده در اختیار دیگران نیز قرار دهد «زکات العلم نشره» (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۹). همچنان که برخی دیگر اندیشمندان معاصر برای بیع در آیاتی همچون «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» معنای وسیعی مطرح کرده‌اند که شامل هرگونه خرید و فروشی اعم از مضاربه و مزارعه می‌شود (جوادی آملی، درس خارج فقه، ۱۳۹۳/۱/۱۶).

توجه به توسعه معنایی کلمات و جملات قرآن به عنوان یکی دیگر از راهکارهایی است که مقام معظم رهبری به واسطه آن جاودانگی قرآن را پیگیری می‌کنند. گاه از

آیه‌ای مفهوم‌گیری می‌کنند و معنای جدیدی از آن استخراج می‌کنند (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۴۰۴). بهره‌گیری از کنایه‌هایی که در قرآن به کار رفته راه دیگری جهت توسعه مفهومی در اندیشه رهبری است. ایشان آیه «فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرُمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ» (توبه، ۵) را از باب کنایه دانسته، می‌فرماید: واژه «انسلاخ» در اصل به پوست‌انداختن مار اطلاق می‌شود، ولی در این آیه کنایه از اتمام مدت است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۱۱۳). ایشان در ک صحیح واژگانی همچون ظالم، مشرک و کافر را مراجعه به موارد کاربرد این کلمات در قرآن می‌داند (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۲۲). ایشان معنای دقیقی ذیل دو واژه فقیر و غنی مطرح می‌کنند که به‌طور معمول سطح عمومی جامعه چنین برداشتی را نمی‌کنند (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۸۶)؛ همچنین واژگانی همچون صدقات و جهاد را گسترده‌تر و دقیق‌تر از آن چیزی معنا می‌کنند که مردم سطح جامعه بدان توجه می‌کنند (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۸۱). ایشان معنای وسیع‌تری از انفاق را در آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌دهند و انفاق مالی را نازل‌ترین سطح انفاق معرفی می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۴۴۲).

۱۵۷

مُطَالَعَةُ عِلْمِ الْقُرْآنِ

واکاوی جری و تطبیق آموزه‌های قرآنی از منظر امام خامنه‌ای

نتیجه‌گیری

در این تحقیق جریان جاودانه قرآن با تکیه بر اندیشه مقام معظم رهبری مورد واکاوی قرار گرفت، یافته‌های پژوهش از این قرار است:

۱. مکتب تفسیری مقام معظم رهبری، مکتب اجتهادی اجتماعی است. اقتضای این رویکرد آن است که آیات قرآن متناسب با هر عصری معنا و تفسیر شود؛ از این رو بیشترین ارتباط بین قرآن و جامعه در اندیشه مقام معظم رهبری نمود دارد. در جریان مفاهیم قرآنی در اندیشه مقام معظم رهبری به‌عنوان راهبر جامعه اسلامی، بیشترین ارتباط میان قرآن و جامعه مشاهده می‌شود، تلاش ایشان بر این است که مفاهیم قرآنی را در جامعه جریان دهد.

۲. برخی قواعد اصولی در جریان‌سازی آیات قرآن در اندیشه مقام معظم رهبری، نقش بسزایی دارند و به‌عنوان یک مطالعه میان‌رشته‌ای، توجه به این قواعد، مفسر را

یاری خواهند کرد. رهبری از آیات زیادی بهره‌گیری می‌کنند که در این پژوهش تلاش شد، با توجه به ارتباط قواعد اصولی، روش جریان مفاهیم قرآنی و توسعه بخشی به آیات قرآن مشخص شود.

۳. قواعدی همچون بهره‌گیری از اطلاعات و عمومات قرآنی، استخراج مناط و معیار در آیات قرآنی، مناسبات حکم و موضوع، توجه به ظرفیت واژگان قرآنی و توسعه مفهومی واژگان از جمله مواردی بود که در جریان‌سازی مفاهیم قرآنی در اندیشه مقام معظم رهبری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۲۶ق). کفایه الاصول. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۲. ابن منظور، محمد ابن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱، ۴ و ۱۰). بیروت: دار صادر.
۳. امام خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۱ق). لمحات الاصول. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴. امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۸۹). کتاب الطهارة. نجف: مطبعة الآداب.
۵. بحرانی سیدهاشم. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن (ج ۴). تهران: بنیاد بعثت.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). تفسیر تسنیم (ج ۱). قم: مرکز نشر اسراء.
۷. جوادی آملی، عبدالله. درس خارج، ۱۶/۱/۱۳۹۳.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). تاج اللغة و صحاح العربية (ج ۶). بیروت: دارالعلم للملایین.
۹. خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۸). بیان قرآن (تفسیر سوره براءت). تهران: دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.
۱۰. خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۷۷/۰۹/۱). بیانات، در مراسم اختتامیه پانزدهمین دوره مسابقات قرآن، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2919>
۱۱. خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۷۶/۱۰/۱۲). بیانات، در خطبه های نماز جمعه، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2868>
۱۲. خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۸۸/۶/۲۰). بیانات، در خطبه های نماز جمعه، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8033>

۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۵/۱۰/۲۸). بیانات، در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2823>
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۸/۹/۲۶). بیانات، در خطبه‌های نماز جمعه، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2984>
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰/۱۱/۳۰). بیانات، در دیدار جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2587>
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸/۷/۲۸). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2207>
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۶/۱۲/۲۴). بیانات، در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39229>
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۴ /۱۱ /۲۰). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2784>
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۱ /۰۱ /۱۶). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3114>
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰/۴/۱۸). بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471>
۲۱. خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). محاضرات فی اصول الفقه (ج ۱، چاپ چهارم). قم: طبع دار الهادی.

۲۲. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
۲۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۳). منطق تفسیر قرآن (ج ۱). قم: مرکز بین المللی چاپ و نشر المصطفی.
۲۴. رضایی کرمانی، محمدعلی. (۱۳۹۵). روش های به کارگیری قاعده جری و تطبیق در حوزه فهم قرآن. فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۸۰، صص ۴-۲۷.
۲۵. زمخشری، محمود. (۱۴۰۰). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (ج ۱). بیروت: دار الکتاب العربی.
۲۶. سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۴۰۲). معناشناسی روش ها و نظریه ها. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۷. سیدرضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۳). نهج البلاغه امیر المومنین علی (ع) (مترجم: عبدالحمید آیتی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۸. سیفی مازندرانی، علی اکبر. (۱۳۹۰). دروس تمهیدیه فی القواعد التفسیریة (ج ۱). قم: موسسه نشر اسلامی.
۲۹. سیوطی، جلال الدین. (۱۳۸۰). الاتقان فی علوم القرآن (مترجم: سیدمهدی حائری قزوینی، ج ۲). تهران: امیرکبیر.
۳۰. شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۸). روش های تأویل قرآن. قم: موسسه بوستان کتاب.
۳۱. صابری، حسین. (۱۳۸۱). عقل و استنباط فقهی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۳۲. صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه (ج ۱، ۲۵). قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۳۳. صدر، سیدمحمدباقر. (۱۴۱۸ق). دروس فی علم الاصول (ج ۱). قم: موسسه النشر الاسلامی.
۳۴. صدوق، محمد. (۱۳۶۳). من لایحضره الفقیه (ج ۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱، ۳، ۴، ۱۶، ۱۷). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱، ۲). تهران: ناصر خسرو.
۳۷. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین (ج ۱، ۵). تهران: مرتضوی.
۳۸. طیب حسینی، سید محمود. (۱۳۹۵). چند معنایی در قرآن کریم (چاپ دوم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۳۹. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام (ج ۱). قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۴۰. عیاشی، سید محمود. (۱۳۸۰). تفسیر عیاشی (ج ۱). تهران: مکتب العلمیه الاسلامیه.
۴۱. غروی اصفهانی، محمدحسین. (۱۳۷۴). نهاية الدراية فی شرح الکفایة (ج ۱۶). قم: انتشارات سیدالشهدا.
۴۲. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. (۱۳۷۳). کنز العرفان فی فقه القرآن (ج ۱). تهران: مرتضوی.
۴۳. فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۳۸۱). اصول فقه شیعه (ج ۲). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۴۴. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ق). العین (ج ۶). قم: موسسه دار الهجره.
۴۵. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی (ج ۳). تهران: انتشارات الصدر.
۴۶. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸). تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب (ج ۱۰). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری (ج ۱، ۴). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۸۹). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۹. مشکینی اردبیلی، علی. (۱۳۷۴). اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها. قم: الهادی.
۵۰. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن (ج ۲). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵۱. مظفر، محمد رضا. (۱۴۱۵ق). اصول فقه (ج ۱). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۵۲. معرفت، محمدهادی، (۱۳۹۷). تفسیر و مفسران (ج ۱). قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۵۳. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۰۹ق). مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن (ج ۸). بیروت: مؤسسه اهل البیت علیهم السلام.
۵۴. مهدوی‌راد، محمدعلی؛ هادیان رسنانی، الهه. (۱۳۹۹). بازشناسی مفهوم توسعه معنایی. پژوهش‌های دینی، شماره ۴۰، صص ۲۰۷-۲۲۸.
۵۵. نصیری، علی. (۱۳۷۵). جری و تطبیق در المیزان. علوم و معارف قرآن، شماره ۲، صص ۷۸-۹۶.
۵۶. نفیسی، شادی. (۱۳۹۲). مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی. دو فصلنامه قرآن شناخت، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۵-۲۶.
۵۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۸۴). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت (ج ۲). قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم السلام.

۱۶۳

مُطَالَعَةُ عِلْمِ الْقُرْآنِ

واکاوی جری و تطبیق آموزه‌های قرآنی از منظر امام خاتمی

References

*The Holy Quran

1. Akhund Khorasani, M. K. (2005). *Kifayat al-usul*. Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
2. Ameli (Shahid Thani), Z. b. A. (1992). *Masalik al-Afham ila Taqih Shara'i al-Islam* (Vol. 1). Qom: Al-Ma'arif al-Islamiyya Institute. [In Arabic]
3. Ayyashi, S. M. (2001). *Tafsir Ayyashi* (Vol. 1). Tehran: Maktab al-Ulum al-Islamiyya. [In Arabic]
4. Bahrani, S. H. (1995). *Al-Burhan fi tafsir al-Quran* (Vol. 4). Tehran: Ball'athat Foundation. [In Arabic]
5. Fadil Mowahhedi Lankarani, M. (2002). *Principles of Shia Jurisprudence* (Vol. 2). Qom: Ahl al-Bayt Jurisprudence Center. [In Persian]
6. Fadil Muqaddad, M. b. A. (1994). *Kanz al-Irfan fi Fiqh al-Quran* (Vol. 1). Tehran: Mortazavi. [In Arabic]
7. Farahidi, K. b. A. (1990). *Al-Ayn* (Vol. 6). Qom: Dar al-Hijra Institute. [In Arabic]
8. Feyz Kashani, M. (1994). *Tafsir al-Safi* (Vol. 3). Tehran: Al-Sadr Publications. [In Arabic]
9. Gharavi Esfahani, M. H. (1995). *Nihayat al-Dirayah fi Sharh al-Kifayah* (Vol. 16). Qom: Sayyed al-Shohada Publications. [In Arabic]
10. *Hadith Velayat Software: Speeches of the Supreme Leader of Iran*. Tehran: Office for Preservation and Publication of the Supreme Leader's Works. [In Persian]

11. Hashemi Shahroudi, S. M. (2005). *The Encyclopedia of Jurisprudence According to the School of Ahl al-Bayt* (Vol. 2). Qom: Encyclopedia of Islamic Jurisprudence Institute. [In Persian]
12. Ibn Manzur, M. (1993). *Lisan al-Arab* (Vols. 1, 4, 10). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
13. Imam Khomeini, S. R. (2000). *Lamahat al-usul*. Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
14. Imam Khomeini, S. R. (2010). *Kitab al-taharah*. Najaf: Matba'at al-Adab. [In Arabic]
15. Javadi Amoli, A. (1999). *Tafsir Tasnim* (Vol. 1). Qom: Esra Publishing Center. [In Persian]
16. Javadi Amoli, A. (2014). Advanced Jurisprudence Lecture, January 16, 2014. [In Persian]
17. Johari, I. b. Hammad. (1956). *Taj al-lugha wa sihah al- \square arabiyya* (Vol. 6). Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin. [In Arabic]
18. Khamenei, S. A. (1989, October 20). Sermons at Friday Prayers. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2207>. [In Persian]
19. Khamenei, S. A. (1991, July 9). Speech in a Meeting with Officials from the Ministry of Foreign Affairs. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471>. [In Persian]
20. Khamenei, S. A. (1992, February 19). Speech in a Meeting with Scholars of Qom Seminary. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2587>. [In Persian]

21. Khamenei, S. A. (1996, February 9). Sermons at Friday Prayers. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2784>. [In Persian]
22. Khamenei, S. A. (1997, December 12). Sermons at Friday Prayers. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2868>. [In Persian]
23. Khamenei, S. A. (1997, January 17). Sermons at Tehran's Friday Prayers. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2823>. [In Persian]
24. Khamenei, S. A. (1997, January 17). Sermons at Tehran's Friday Prayers. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2823>. [In Persian]
25. Khamenei, S. A. (1998, November 22). Speech at the Closing Ceremony of the 15th Quran Competitions. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2919>. [In Persian]
26. Khamenei, S. A. (1999, December 17). Sermons at Friday Prayers. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2984>. [In Persian]
27. Khamenei, S. A. (2002, April 5). Sermons at Tehran's Friday Prayers. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3114>. [In Persian]
28. Khamenei, S. A. (2009, September 11). Sermons at Friday Prayers. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8033>. [In Persian]
29. Khamenei, S. A. (2018, March 15). Speech in a Meeting with the Chairman and Members of the Assembly of Experts. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39229>. [In Persian]
30. Khamenei, S. A. (2019). *Bayan Quran (Tafsir of Surah Bara'ah)*. Tehran: Office of the Preservation and Publication of the Supreme Leader's Works. [In Persian]

31. Khoei, S. A. (1996). *Muhadharat fi usul al-fiqh* (Vol. 1, 4th ed.). Qom: Dar al-Hadi Press. [In Arabic]
32. Kulayni, M. b. Y. (1987). *Al-Kafi* (A. Ghafari, Ed., Vols. 1, 4). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
33. Ma'refat, M. H. (2018). *Interpretation and Interpreters* (Vol. 1). Qom: Al-Tamhid Cultural Institute. [In Persian]
34. Mahdavi-Rad, M. A., & Hadian Rosnani, E. (2020). Revisiting the Concept of Semantic Development. *Religious Studies*, (40), 207–228. [In Persian]
35. Majlesi, M. B. (1982). *Bihar al-Anwar* (Vol. 89). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
36. Meshkini Ardebili, A. (1995). *Terminology of Principles and Their Main Discussions*. Qom: Al-Hadi. [In Arabic]
37. Mostafavi, H. (1981). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran* (Vol. 2). Tehran: Book Translation and Publishing Bureau. [In Arabic]
38. Mousavi Sabzevari, S. A. (1989). *Mawahib al-Rahman fi Tafsir al-Quran* (Vol. 8). Beirut: Ahl al-Bayt Institute. [In Arabic]
39. Muzaffar, M. R. (1994). *Principles of Jurisprudence (Usul Fiqh)* (Vol. 1). Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary. [In Arabic]
40. Qomi Mashhadi, M. (1989). *Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib* (Vol. 10). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic]
41. Raghیب Esfahani, H. (1991). *Al-Mufradat fi gharib al-Quran*. Damascus and Beirut: Dar al-Ilm al-Dar al-Shamiya. [In Arabic]

42. Rezaei Esfahani, M. A. (2014). *Manāiq tafsir Quran* (Vol. 1). Qom: Al-Mustafa International Publishing Center. [In Persian]
43. Rezaei Kermani, M. A. (2016). Methods of Applying the Rule of Jarī and Tatbīq in Understanding the Qur'an. *Journal of Qur'anic Researches*, (80), 4–27. [In Persian]
44. Saberi, H. (2002). *Reason and Jurisprudential Inference*. Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Persian]
45. Sadeqi Tehrani, M. (1986). *Al-Furqan fi Tafsir al-Quran bil-Quran wal-Sunnah* (Vols. 1, 25). Qom: Islamic Culture Publications. [In Arabic]
46. Sadr, S. M. B. (1997). *Lessons in the Science of Usul* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
47. Saduq, M. (1984). *Man La Yahduruhu al-Faqih* (Vol. 4). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
48. Saeedi Roshan, M. B. (2023). *Semantics of Methods and Theories*. Qom: Research Institute for Hawza and University. [In Persian]
49. Sayyid Razi, M. b. H. (2004). *Nahj al-Balagha of Amir al-Mu'minin Ali (a)* (A. Ayati, Trans.). Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [In Persian]
50. Seyfi Mazandarani, A. A. (2011). *Introductory Lessons on Interpretive Rules* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
51. Shaker, M. K. (2009). *Methods of Quranic Interpretation*. Qom: Bustan-e-Ketab Institute. [In Persian]
52. Suyuti, J. (2001). *Al-Itqan fi Ulum al-Quran* (S. M. Haeri Qazvini, Trans., Vol. 2). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]

53. Tabarsi, F. b. H. (1993). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Tehran: Nasir Khosrow. [In Arabic]
54. Tabatabai, S. M. H. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vols. 1, 3, 16, 17). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
55. Tabrizi, Fakhr al-Din. (1996). *Majma' al-Bahrayn* (Vols. 1, 5). Tehran: Murtazavi. [In Arabic]
56. Tayyeb Hosseini, S. M. (2016). *Polysemy in the Holy Quran* (2nd ed.). Qom: Research Institute for Hawza and University. [In Persian]
57. Zamakhshari, M. (1979). *Al-Kashshaf fi an haqiq ghawamid al-tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]